



# آذربایجان، تاج سر ایران

نوشته : کاوه ایرانی

باز کاریکاتور این هنر طنز مسئله آفرید، اینبار کاریکاتور برای مذهب خاصی که نه بلکه با کمک از یک واژه به زبان آذری ظاهراً مشکل آفریده، مشکلی که بعنوان یک اتحاد بسیار هم خوب است به شرطی که این بازی برای یک ملت مشکل آفرین نگردد، بقول معرف توپ را مجدداً تو زمین خودی بر نگرداند، باید گفت با این واژه به زبان آذری توهین شده و از این رو یک اتحاد در تمام کشور بوجود آورد و سایر هم میهنان را هم وارد این ماجرا کرد یعنی فارس و کرد و لر و ترکمن و خراسانی؛ خوزستانی و . . . . . همگی مدعی باشند ولی اجازه داده نشود که به بهانه یک زبان محلی توهین به یک ملت انجام گیرد، آیا باید جلوی هر کاری را گرفت ؟ من معمولاً جوک یاد نمی گیرم ولی شاید ده ها جوک درباره ترک ها و گیلانی ها و سایر هم میهنان دیگر شنیده باشم، آیا پس از کاریکاتور باید جلوی جوک ها را هم گرفت ؟ آیا برای کاریکاتور در مورد یک واژه حال به زبان آذری شرایطی را بوجود آورد تا ملیت مان دچار دردسر گردد

و خودمان اجازه دهیم تا عده ای که منتظر نشسته اند از این آب گل آلود ماهی بگیرند، شروع کنند به این که نباید ناسیونالیست بود و باید فقط آزاد بود و هر آنچه که لازم است و هر که می خواهد بگوید ولی همین که بر خلاف مارکس و لنین سخنی به میان آید بلافاصله بحث می شود بحث ارتجاع؛ این نوکران اتحاد نا مقدس سرخ و سیاه پس از ملایان برای خودشان خوابها دیده اند که صد البته باید گفت خوش خواب باشند ولی این عده معدود را نه انگلیس و نه پس مانده های روسیه و چین و کوبا نمی توانند به راه بیاندارند و اصلاً شرایط دیگر آن شرایط



سابق نیست که یک جوان از روستایی دور به دانشگاهی راه بیاید که اگر نبود درایت بنیانگذار ایران نوین، رضا شاه بزرگ و مدیریت شاهنشاه آریامهر، دانشگاهی در کار نبود و آن جوان جویای نام روستاهای دور امکاناتی برایش فراهم نمی شد که بتواند به تحصیل ابتدایی پردازد؛ چه رسد به این که به دانشگاه راه یابد و پس از دو ماهی که پایشان به دانشگاه می رسید طوری آنها را مسخ می کردند که می شدند چریک و هم به خودشان و هم به کشورشان لطمه می زدند و اگر از این منادیان آزادی که بجز برابری به هیچ چیز دیگری هم رضا نمی دهند سوال شود که خوب این آزادی و برابری را که می گوید چه الگویی برای آن می توانید ارایه دهید؟ خواهند گفت که ما همین چند نفر کمونیست بجا مانده از عصر پیش از تاریخ نخستین انسان های روی زمین هستیم که بهتر از مارکس و لنین کمونیست را پیاده خواهیم کرد، این وعده برآستی چند آدم ساده لوح را خواهد فریفت!؟ سوالی است که در آینده یقیناً به آن پاسخ داده خواهد شد. ولی آنچه بعنوان الگو از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یا دیگر اقدار کمونیست بجا مانده یک کشور عقب افتاده با مردمانی که برای قدری پول خودفروشی می کنند؛ مناسبانه به علت اشغال ایران توسط عده ای دین فروش این امکان برای همه هم میهنان ما میسر نیست تا از چند و چون فاجعه کمونیستی با خبر گردند، ولی تا ابد در بر این پاشنه نخواهد بود.

اما آنچه مسلم است به بهانه دفاع از زبان آذری کسی حق ندارد که به ملیت آنها توهین کند که ملیت بیش از هر چیز دیگری اهمیت دارد، و اگر زبان را وجه المساله قرار دهیم و برای هر زبان بجای اقوام از واژه ملیت استفاده کنیم؛ با این شکل بجای ایجاد اتحاد یک نفاق ملی بوجود می آید که ملت ایران از فارس زبان گرفته تا آذری زبان و کرد زبان و . . . . . جمعیت هفتاد میلیونی حال حاضر ایران و نسل های آینده همگی متضرر این وضعیت خواهند شد و فقط دشمنان ایران خواهند بود که به سود سرشاری خواهند رسید مانند عراق که در حال حاضر اصلاً مشکل مثل اینکه نفت آن کشور که به یغما می رود نیست و در پایان هم آمریکا عزیز و گرامی تمام هزینه های خود را برای مردمان عراق صورت حساب خواهد کرد و حتماً هم کسی حق نخواهد داشت که سوال کند که در این مدت چه بلایی سر چاه های نفت آنها آمده است؛ و همین چپاولگران فردا جلوی آبادی و نوکران خود تکه نانی خواهند انداخت تا همچنان با شعار و نه شعور آزادی و برابری سعی در ویرانی میهن مان نمایند.

روانشاد پدرم از آزادی دوباره آذربادگان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و برگشت این خطه از کشور به مام میهن برای ما تا آخرین لحظات حیاتش می گفت و سرودی می خواند؛ آذربایجان تاج سر ایران . . . . .

خاک آذربایجان یعنی وطن؛ یعنی همه ی ایران این عده که با هزینه اجنبی به راه افتاده اند تا تبلیغات سوء نمایند بدانند که حتی یک وجب از خاک ایران از ایران جدا نخواهد شد تا یک ایرانی زنده است، اما من فارس زبان با ایرانی لر زبان و کرد زبان و . . . . . همه یک صدا فریاد خواهیم زد که چرا به زبان آذری توهین شده و این مورد را برای همبستگی ملی بکار خواهیم برد و آنرا با مداخلات انیرانی در دانشگاه های کشور که اتفاقاً این مورد هم در طول این بیست و هفت سال سابقه داشته پیوند خواهیم زد تا با همبستگی در جنبش رستاخیز ملی دست به یک نافرمانی مدنی بزنیم.

اینکه مردمان ایران در طول این بیست و هفت سال فتنه فریب خوردگان پنجاه و هفتی، همواره نشان داده اند از به اصطلاح اپوزیسیون جلوتر هستند، پیش از تابستان مقدمات آنرا می چینند تا با یک اراده ملی و رهبری واحد بتوانیم در کمتر از آن زمانی که حتی بشود پیش بینی کرد اشغالگران انیرانی را از کشور عزیزمان ایران برای همیشه بزوداییم .

همین امروز هم شنیده می شود :

**" اگر دستم بریده شود سند جدائی آذربایجان را امضا نمی کنم "**



و از پس آن سخنی دیگر است:

**" من می خواهم که هفت دولت زیر بیرق ایران باشد و تو از من  
میخواهی که زیر بیرق روس یا هر جای دیگری بروم "**